

کاهش جمعیت، پیامد مستقیم فرسایش امید و ثبات اجتماعی است؛

**بحران جمعیت،
آینه زیست روزمره**

از قانون هوای پاک تا ۱۸ میلیارد دلار خسارت پنهان؛ چرا کسی پاسخگو نیست؟

سیاست گذاری علیه نفس کشیدن!

کورسوی امید برای صلح اوکراین؛

**زلنسکی از فلوریدا
دست پُر باز می گردد؟**

«دنیای هوادار» بررسی می کند؛

کرج با بحران خاموش پسماند پزشکی چه می کند؟

موسسه آموزش مهارتی و حرفه ای علوم پزشکی

دکتر میرشمسی

برگزار کننده

دوره های آموزشی مهارتی
پزشکی و پیراپزشکی

نسخه پیچی

دستیار کنار دندانپزشک

کمک پرستاری یکساله

نیروی انتظامی بیمارستان

امدادگر کمک های اولیه

مهماننداری بیمارستان

سالمندیاری

احیای قلبی ریوی

ارائه مدرک معتبر

قابل استعلام و قابل ترجمه

مورد تأیید تمامی مراجع نظارتی

و...

جهت کسب اطلاعات بیشتر با ما در تماس باشید

☎ ۰۲۲۷۱۸۱۵۱-۰۹۳۷۰۶۸۵۰۵۹



TREAT_WAY



https://drmirshamsi.com

کرج، هفت تیر - نرسیده به چهارراه کارخانه قند ساختمان برلیان - طبقه ۷ واحد ۱۰ و ۱۲



کلینیک

دیابت و پلاسما درمانی

درمان انواع زخم های مزمن و دیابتی
باروش های نوین در البرز



پلاسما درمانی

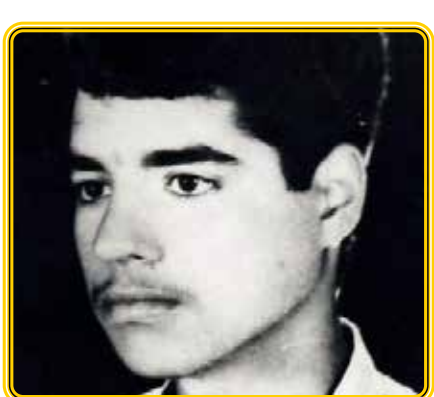
رایگان

ارائه خدمات تخصصی پزشکی و درمانی توسط متخصصین عفونی،
غدد، تغذیه و پرستاران مراقبت زخم (با تعرفه دولتی)

آدرس: کرج، ابتدای جاده چالوس، سه راه عظیمیه
مجتمع آموزشی پزشکی درمانی امام علی (ع) واحد مراقبت دیابت

شماره تماس: ۰۲۶-۳۲۵۴۸۹۸۶

یاد و خاطره شهدا، به ویژه «اسدالله صالحی وزیری» که ۴ خرداد ۶۷ به مقام شامخ شهادت نائل گشت، گرامی باد



سرمقاله

کاهش جمعیت، پیامدمستقیم‌فرسایش امید و ثبات اجتماعی است؛

بحران جمعیت، آینهٔ زیست روزمره

میثم‌اکرمیه

وقتی وزیر کشور از کاهش جمعیت ایران تا مرز زیر ۴۰ میلیون نفر در سال ۱۴۸۰ سخن می‌گوید، مسئله فقط یک پیش‌بینی آماری نیست؛ این جمله، نشانه‌ای از برخورد دیر هنگام سیاست با واقعیتی است که سال‌ها پیش آغاز شده است. بحران جمعیت، محصول یک تصمیم ناگهانی یا یک تغییر فرهنگی مقطعی نیست. این بحران، نتیجه انباشته‌شدن مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی ناپایدار، ناامنی شغلی مزمن، فرسایش امید اجتماعی و فاصله فراینده میان هزینه زندگی و توان زیستن است.

سال‌هاست که هشدارهای دانشگاهی درباره کاهش نرخ باروری، بالا رفتن سن ازدواج و تغییر الگوی خانواده منتشر می‌شود. سال‌هاست که تجربه زیسته نسل جوان، از تعلیق دائمی آینده حکایت دارد. با این حال، سیاست‌گذاری جمعیتی اغلب یا به توصیه‌های کلی تقلیل یافته یا به مداخلات مقطعی و شعاری بسنده کرده است. اکنون که کاهش جمعیت در سطح رسمی به عنوان «بزرگ‌ترین بحران آینده» نام‌گذاری می‌شود، پرسش اصلی این است: چرا این تشخیص، پیش از آنکه مسئله به مرز هشدار امنیتی برسد، به اقدام مؤثر تبدیل نشد؟ جامعه‌ای که افق فردی خود را مبهم می‌بیند، تصمیم‌های بلندمدت نمی‌گیرد. در چنین شرایطی، بحران جمعیت نه یک مسئله جمعیت‌شناختی صرف، که بازتاب مستقیم بحران حکمرانی در حوزه اقتصاد، رفاه و اعتماد عمومی است.

کاهش جمعیت، آن‌طور که در اظهارات اخیر وزیر کشور بازتاب یافته، در سطح گفتار رسمی به‌عنوان یک «بحران آینده» معرفی می‌شود. مسئله از همین‌جا آغاز می‌شود. وقتی بحران به آینده حواله داده می‌شود، مسئولیت اکنون کمرنگ می‌گردد. در حالی که شاخص‌های جمعیتی سال‌هاست تغییر مسیر داده‌اند، سیاست‌گذاری همچنان واکنشی و دیر هنگام باقی مانده است. نرخ باروری پایین آمده، سن فرزندآوری بالا رفته و خانواده به واحدی شکننده در برابر فشار اقتصادی بدل شده است. این‌ها روندهای آرام و قابل رصد بوده‌اند، نه شوک‌های ناگهانی.

در زندگی واقعی، تصمیم به فرزندآوری به توصیه و شعار وابسته نیست. این تصمیم به ثبات شغلی، امنیت مسکن، پیش‌بینی‌پذیری آینده و اعتماد به نهادهای تصمیم‌گیر گره خورده است. جوانی که قرارداد کاری‌اش هر سه ماه تمدید می‌شود، زوجی که درگیر اجاره‌های افسارگسیخته‌اند و خانوادگی که هزینه آموزش و درمان را با اضطراب تأمین می‌کنند، طبیعی است که آینده را به تعویق بیندازد. سیاست جمعیتی، زمانی معنا پیدا می‌کند که این واقعیت‌ها را نقطه شروع بداند، نه حاشیه بحث. سال‌های گذشته، تمرکز بیش از حد بر توصیه‌های فرهنگی و اخلاقی، جای سیاست اجتماعی را گرفته است. نتیجه روشن است. نه میل به فرزندآوری افزایش یافته و نه اعتماد عمومی تقویت شده است. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که مداخله مؤثر در بحران جمعیت، از مسیر حمایت پایدار اقتصادی، خدمات اجتماعی قابل اتکا و کاهش ریسک زندگی می‌گذرد. بدون این پیش‌شرط‌ها، هر سیاست تشویقی به سرعت بی‌اثر می‌شود. وقتی امروز از «نگاه علمی و آینده‌نگرانه» سخن گفته می‌شود، این پرسش جدی مطرح است که چرا یافته‌های علمی پیشین، جایگاه واقعی در تصمیم‌سازی نداشته‌اند. علم زمانی مؤثر است که به سیاست ترجمه شود. اگر هشدارها فقط در سطح گزارش بمانند، بحران مسیر خود را ادامه می‌دهد. خطر اصلی اینجاست که کاهش جمعیت به مسئله‌ای امنیتی تعبیر شود، بی‌آنکه ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی آن درمان گردد.

پایان این مسیر روشن است. جامعه‌ای که هزینه زیستن در آن هر روز سنگین‌تر می‌شود، به آینده جمعیتی خود پشت می‌کند. اگر سیاست‌گذار به جای اصلاح شرایط، فقط به اعلام خطر بسنده کند، بحران نه متوقف می‌شود و نه مدیریت. آن وقت جمعیت کاهش نمی‌یابد، امید است که فرو می‌ریزد و این فروپاشی، بسیار پرهزینه‌تر از هر عدد و پیش‌بینی است.

واشنگتن پست مدعی شد؛ تلاش تازهٔ ترامپ برای گفت‌وگو با ایران

نزدیکی یا در صدر نگرانی‌های منطقه‌ای خود می‌بیند، دولت ترامپ تلاش دیگری را برای مذاکره با تهران آغاز کرده است و ابتدا می‌خواهد ببیند که این تلاش به نتیجه می‌رسد یا خیر.

«مورگان اورنگاس» معاون فرستاده ویژهٔ ترامپ در غرب آسیا، روز سه‌شنبه گذشته در جلسه شورای امنیت سازمان

ملل مدعی شد که «واشنگتن همچنان برای مذاکرات رسمی با ایران در دسترس است»، در حالی که خواسته غیر واقع‌بینانه و زیاده‌خواهانه ایالات متحده را مبنی بر ایران تکرار کرد که «غنی‌سازی [اورانیوم] نمی‌تواند در ایران وجود داشته باشد».

این ادعا در حالی مطرح می‌شود که ایالات متحده

دنیاکسوادار

از قانون‌های پاک‌ت ۱۸ میلیارد دلار خسارت پنهان؛ چراکسی پاسخگو نیست؟

سیاست‌گذاری علیه‌نفس‌کشیدن!

علیرضاناظری

پنهان همیشه قربانی مصلحت‌های کوتاه‌مدت می‌شوند. قانون هوای پاک نمونه‌ای روشن از این شکاف است. قانونی که با ادبیاتی صریح، تکالیف دستگاه‌ها را مشخص کرده، از اسقاط خودروهای فرسوده تا توسعه حمل‌ونقل عمومی و انرژی پاک. با این حال، هفت سال پس از تصویب، اجرای آن بیشتر به گزارش‌های پراکنده محدود مانده است. نه گزارش عمومی و شفاف از میزان پیشرفت وجود دارد و نه سازوکار الزام‌آوری که دستگاه‌های متخلف را وادار به پاسخگویی کند. وقتی قانونی بدون هزینه نقض می‌شود، به توصیه اخلاقی تقلیل پیدا می‌کند و همین نقطه آغاز بی‌اعتباری سیاست عمومی است. مسئله خودروهای فرسوده و موتورسیکلت‌های کاربراتوری نیز در همین چارچوب قابل فهم است. همه می‌دانند این وسایل سهم بالایی در آلودگی هوای شهری دارند. برنامه اسقاط سال‌هاست مطرح می‌شود، آمارها منتشر می‌شوند و وعده‌ها تکرار می‌شوند. با این حال، سرعت جایگزینی به حدی پایین است که عملاً اثر معناداری بر کیفیت هوا ندارد. دلیل روشن است. هزینه حذف این وسایل برای برخی بخش‌ها واقعی و فوری است، اما هزینه آلودگی برای همان تصمیم‌گیران نامرئی باقی می‌ماند. تا زمانی که خسارت آلودگی در قیمت سوخت، حمل‌ونقل و تولید منعکس نشود، منطق اقتصادی به نفع آلایندگی عمل خواهد کرد. این الگو در حوزه انرژی نیز تکرار شده است. ایران با صدها روز آفتابی در سال، ظرفیت بالایی برای انرژی خورشیدی دارد، اما سهم این انرژی در سبد تولید برق همچنان حاشیه‌ای است. مانع اصلی، کمبود فناوری یا سرمایه نیست. تعارض منافع و ترجیح مسیری‌های آشناتر نقش تعیین‌کننده دارد. انرژی پاک نیازمند تصمیم‌هایی است که در کوتاه‌مدت سود فوری ایجاد نمی‌کنند و حتی ممکن است برخی رانت‌ها را به خطر بیندازند. در ساختار تصمیم‌گیری‌ای که افق آن اغلب به یک دوره مدیریتی محدود است، چنین تصمیم‌هایی به تعویق می‌افتند.

سلامت عمومی در این میان، بیشترین هزینه را می‌پردازد و کمترین سهم را در معادله توسعه دارد. پروژه‌های صنعتی همچنان مجوز می‌گیرند، بدون آنکه ارزیابی اثرات سلامت به یک خط قرمز واقعی تبدیل شود. خسارت ۱۸ میلیارد دلاری آلودگی هوا در محاسبات اقتصادی دیده نمی‌شود، چون در جدول‌های بودجه ردیف مشخصی ندارد. این خسارت به

در ماه ژوئن در همراهی با رژیم صهیونیستی در شرایطی که ایران در حال مذاکره با غرب و واشنگتن درباره برنامه هسته‌ای‌اش بود، سه تاسیسات هسته‌ای کلیدی در ایران، شامل نطنز، فردو و اصفهان را در اقدامی متجاوزانه و غیر قانونی هدف قرار داد.

شکل پراکنده در هزینه درمان، غیبت نیروی کار، افت کیفیت زندگی و مرگ زودرس توزیع می‌شود و همین پراکندگی، قدرت سیاسی آن را کاهش می‌دهد. در چنین شرایطی، آلودگی هوا بیش از آنکه یک بحران محیط‌زیستی باشد، نشانه‌ای از شکست حکمرانی است. هر دستگاه مسئولیت را به دیگری پاس می‌دهد. وزارتخانه‌ها به کمبود بودجه اشاره می‌کنند، شهرداری‌ها به ضعف قانون، دولت‌ها به میراث گذشته و نتیجه این چرخه، تعلیق دائمی تصمیم‌های سخت است. هماهنگی بین‌بخشی که شرط حل بحران‌های پیچیده است، در عمل جای خود را به جزیره‌های مدیریتی داده که هر کدام منطق و اولویت خود را دارند. نکته نگران‌کننده‌تر، عادی شدن فاجعه است. وقتی شهروندان هر زمستان منتظر تعطیلی مدارس می‌مانند و هر تابستان با هشدارهای تکراری کنار می‌آیند، آلودگی هوا به بخشی از زیست روزمره تبدیل می‌شود. این عادی‌سازی، فشار اجتماعی برای تغییر را کاهش می‌دهد و دست سیاست‌گذار را برای تعویق بازتر می‌کند. در حالی که تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد بدون فشار افکار عمومی و هزینه سیاسی، تصمیم‌های محدودکننده‌آلایندگی هرگز اجرایی‌نشوند.

پرسش نهایی این بخش ساده است. اگر مرگ‌های خاموش همچنان ادامه‌یابند، آیا‌اساختار تصمیم‌گیری‌مان‌توان‌مواجهه با بحران‌های تدریجی را دارد یا فقط به فاجعه‌های ناگهانی واکنش نشان می‌دهد. نقطه‌ای وجود دارد که توصیه علمی دیگر کافی نیست و تصمیم سیاسی هزینه‌دار اجتناب‌ناپذیر می‌شود. آلودگی هوا سال‌هاست از آن نقطه عبور کرده است. پرسش نهایی این بخش ساده است. اگر مرگ‌های خاموش همچنان ادامه‌یابند، آیا‌اساختار تصمیم‌گیری‌مان‌توان‌مواجهه با بحران‌های تدریجی را دارد یا فقط به فاجعه‌های ناگهانی واکنش نشان می‌دهد. نقطه‌ای وجود دارد که توصیه علمی دیگر کافی نیست و تصمیم سیاسی هزینه‌دار اجتناب‌ناپذیر می‌شود. آلودگی هوا سال‌هاست از آن نقطه عبور کرده است.

رویداد

گزارش



ادامه تعلل، انتخابی آگاهانه است با پیامدی روشن: انتقال هزینه توسعه به ریه‌های مردمی که صدای سرفه‌شان هرگز به اندازه انفجار، شنیده نمی‌شود.

آلودگی هوا آزمونی است که هر روز پیش روی حکمرانی ایران گذاشته می‌شود. آزمونی درباره توان تصمیم گرفتن، نه توان شعار دادن. وقتی عده‌ها روشن‌اند و راه‌حل‌ها شناخته شده، ادامه وضع موجود دیگر خطا نیست، انتخاب است. انتخابی که بهایش را سالمندان، کودکان و بیماران مزمن می‌پزداند و سودش به جیب تعلل می‌رود. هیچ کشوری آلودگی هوا را با توصیه حل نکرده است. نقطه تغییر همیشه جایی بوده که سیاست‌گذار پذیرفته هزینه ندادن امروز، بسیار سنگین‌تر از هزینه تصمیم سخت است. اسقاط واقعی، قیمت‌گذاری صادقانه انرژی، توقف پروژه‌های آلاینده و شفافیت اجرایی، ابزارهای دردناکی هستند، اما تنها ابزارهای مؤثرند.

مسئله این نیست که آیا می‌توان آلودگی هوا را مهار کرد. مسئله این است که چه کسی حاضر است هزینه سیاسی آن را بپردازد. تا زمانی که مرگ خاموش در بودجه دیده نشود و خسارت در حساب‌ها ننشیند، تعلل ادامه دارد. فردا دیر است چون امروز روشن است. هر روز تأخیر، امضای تازه‌ای پای همان صورت‌حساب قدیمی است. اگر سیاست نتواند از جان مردم دفاع کند، دیگر نامش مدیریت نیست. تاریخ با عدد قربانیان قضاوت می‌کند، نه با نیت‌ها. این دآوری نهایی است و مسئولیت را از امروز تا همیشه بر شانه تصمیم‌گیران می‌گذارد بی‌پنهان و شفاف در برابر افکار عمومی.

نگاه

آیا بودجهٔ ۱۴۰۵ قابل دفاع است؟!

سارا نصرتی

سند دخل و خرج سال ۱۴۰۵ ایرانیان بر اساس حذف چهار صفر از پول ملی و با تأکید بر شفافیت، انضباط مالی و واقع‌بینی در برآورد منابع و مصارف از سوی دولت تدوین شده است. در شرایطی که رکود اقتصادی، انگیزه فعالیت‌ها را به شدت کاهش داده، افزایش ۶۳ درصدی مالیات‌ها می‌تواند بر میزان رکود بیفزاید. بودجه پیشنهادی گرچه یک بودجه انتقابی است اما عمده فشار آن، به سفره عموم مردم وارد خواهد شد. سطح انقباض در بودجه پیشنهادی در سطحی است که می‌توان آن رایک بودجه ریاضتی محسوب کرد. بودجه ریاضتی، گرچه نوعی بودجه خرد و فشار فراینده معیشتی مواجه است، بودجه ۱۴۰۵ بجای آنکه نقطه آغاز یک جراحی اقتصادی تلقی شود، بار دیگر پرسش‌های قدیمی درباره اولویت‌های واقعی حاکمیت را زنده کرده است. رئیس جمهور با صراحت اعلام کرد که اگر نتواند معیشت مردم را بهبود بخشد، ماندن در قدرت برای او ارزش ندارد و این مسئولیت، پاسخ‌گویی سنگینی در دنیا و آخرت به‌دنبال خواهد داشت. بدون تردید نمی‌شود در کشوری زندگی کنیم که دارای منابع عظیم نفت و گاز است، روزانه میلیون‌ها بشکه نفت تولید و مصرف می‌شود، اما عده‌ای از مردم شب را با گرسنگی و بدون نان سر بر بالین بگذرانند و ما ادعا کنیم که در حال مدیریت کشور هستیم. این قابل قبول نیست. در مجموع، سخنان پزشکیان را می‌توان تلاشی برای باز تعریف بودجه از یک سند مالی به یک میثاق عدالت‌محور میان دولت، مجلس و مردم دانست؛ میثاقی که مهر تورم، اصلاح یارانه‌ها، حمایت معیشتی، توسعه پایدار و پاسخ‌گویی اخلاقی و دینی را در یک چارچوب واحد به هم پیوند می‌زند. سخن پایانی؛ اما متأسفانه پس از ارائه لایحه بودجه ۱۴۰۵ و سخنان پزشکیان و نمایندگان مجلس، آنچه بیش از هر چیز به چشم می‌آید، افزایش فاصله میان وعده‌ها و واقعیت‌هاست. افزایش ۲۰ درصدی حقوق‌ها، تداوم بودجه نهادهای کم‌اثر همگی نشان می‌دهد که مسیر اصلاح، همچنان پر از ملاحظاتی سیاسی و محافظه‌کاری است. بودجه ۱۴۰۵ می‌توانست نقطه آغاز یک تغییر واقعی باشد؛ اما در شکل فعلی، بیش از آنکه نشانه جراحی اقتصادی باشد، یادآور همان الگوی آشنای سال‌های گذشته است: اصلاحات محدود، هزینه‌های محفوظ و مردمی که همچنان باید منتظر بمانند. بودجه ۱۴۰۵ صرفاً یک سند مالی نیست، بلکه متنی سیاسی است که اولویت‌های واقعی را آشکار می‌کند؛ متنی که نشان می‌دهد کدام وعده‌ها به اجرا نزدیک شده‌اند و کدامیک همچنان در حد شعار باقی‌مانده‌اند.

بین‌الملل



هشدار داد در صورتی که اوکراین خواهان حل مسالمت‌آمیز درگیری نظامی نباشد روسیه مجبور خواهد شد که با استفاده از زور تمام اهداف «عملیات ویژه نظامی» را محقق کند. رئیس جمهور روسیه در خصوص مذاکرات برای پایان دادن به جنگ، به ویژه گفت‌وگو‌ها میان آمریکا و اوکراین، تصریح کرد: برخی افراد باهوش در غرب پیدا شده‌اند که به مقایسه‌ای کی‌یف توصیه می‌کنند شرایط آبرومندانه را برای پایان دادن به درگیری بپذیرد. آن‌ها همچنین شرایط اساسی خوبی را برای تضمین امنیت بلندمدت اوکراین فراهم کرده‌اند. سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه نیز در تازه‌ترین اظهارات خود در ارتباط با جنگ اوکراین گفت: «ما رژیم ژلنسکی و حامیان اروپایی‌اش را برای انجام گفت‌وگوهای سازنده آماده نمی‌بینیم».

وی افزود: این رژیم با هدف قرار دادن زیرساخت‌های غیرنظامی در کشور ما و اقدامات خرابکارانه مردم غیرنظامی را وحشت‌زده می‌کند. رهبران کشورهای غربی نیز در آستانه مذاکرات ترامپ و ژلنسکی بر حمایت از کی‌یف و ایجاد موضع مشترک تأکید کرده و خواستار صلح عادلانه و پایدار شدند. آنتونیو کاستا رئیس شورای اروپا شنبه شب در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: من و رهبران اروپایی با رئیس جمهور ژلنسکی گفت‌وگو کردیم تا پیش از دیدار وی با ترامپ



سه شنبه ۹ دی ۱۴۰۴ شمارگان ۱۹۶۹

ایمان روزنهانی

ماهیارنه ۲۰۰ ثن پسماند پزشکی در کرج، فقط یک آمار خشک اداری نیست؛ روایتی است از انباشت خطری که هر روز در حاشیه شهر نفس می‌کشد و کمتر دیده می‌شود. شهری با نزدیک به ۹۰۰ مرکز درمانی، روزانه حجم عظیمی از زباله‌هایی تولید می‌کند که تماس مستقیم با خون، ترشحات، بافت‌های انسانی و عوامل عفونی داشته‌اند. این پسماندها، اگر از چرخه کنترل خارج شوند، به‌سادگی می‌توانند مرز میان درمان و تهدید را در هم بشکنند.

در گزارش‌های رسمی، همه چیز منظم و مدیریت‌شده به نظر می‌رسد: جمع‌آوری انجام می‌شود، بی‌خطرسازی صورت می‌گیرد و فرایندها «طبق ضوابط» پیش می‌روند. اما درست در همین نقطه است که پرسش اصلی سر برمی‌آورد: آیا جمع‌آوری به معنای حل مسئله است؟ یا فقط جابه‌جایی یک خطر بالقوه از جلوی چشم شهر به پشت دیوارهای نامرئی تأسیسات دفع؟ پسماند پزشکی، برخلاف زباله‌های عادی، با خطای کوچک هم سازگار نیست. یک نقص در بی‌خطرسازی، یک نظارت صوری یا یک قرارداد ناکارآمد، کافی است تا آلودگی وارد خاک، آب‌های زیرزمینی و در نهایت زنجیره غذایی شود. در شرایطی که بحران‌های زیست‌محیطی و سلامت عمومی به هم گره خورده‌اند، مدیریت پسماند پزشکی دیگر مسئله‌ای فنی یا خدماتی محسوب نمی‌شود؛ شاخصی است از کیفیت حکمرانی شهری در مواجهه با ریسک‌های مدرن.

بهتر نیست یکبار هم که شده از پشت اعداد رسمی بیرون بیایم و در جست‌وجوی پاسخ یک پرسش ساده باشیم: حقیقتاً کرج با این حجم پسماند پزشکی، واقعاً چقدر ایمن است؟

مسئله پسماند پزشکی در کرج را نمی‌توان صرفاً با تکرار چند عدد و گزارش توصیفی توضیح داد. عدد «۲۰۰ ثن در ماه» وقتی معنا پیدا می‌کند که در نسبت با جمعیت، تراکم مراکز درمانی، آلودگی مصرف خدمات سلامت و ظرفیت واقعی مدیریت شهری دیده شود. کرج شهری است با ساختار درمانی متراکم، رشد سریع جمعیت و فشار مضاعف بر زیرساخت‌هایی که اساساً برای چنین حجمی طراحی نشده‌اند. در چنین بستری، پسماند

در نود و هفتمین جلسه کمیسیون عمران شورای شهر کرج که به ریاست علیرضا رحیمی رئیس کمیسیون برگزار شد، پایش و بررسی ردیف‌های عمرانی محلات در دستور کار قرار گرفت.

علیرضا رحیمی محمودآبادی رئیس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای اسلامی شهر کرج در نود و هفتمین جلسه کمیسیون عمران با توجه به دستور

«دنیای هوادار»بررسی می‌کند؛

کرج با بحران خاموش پسماند پزشکی چه می‌کند؟

پزشکی نه محصول یک چرخه استثنایی، که خروجی طبیعی سیستم‌درمانی شهری است. پرسش اصلی این است که آیا سیستم مدیریت پسماند، همپای رشد این چرخه توسعه یافته یا فقط خود را با اعداد وفق داده است. بی‌خطرسازی، در ادبیات رسمی، نقطه پایان خطر معرفی می‌شود. اتوکلاو، استریل‌سازی، تفکیک و حمل ایمن، واژه‌هایی هستند که مدام تکرار می‌شوند. مشکل از جایی آغاز می‌شود که این واژه‌ها به جای شاخص قابل ارزیابی، به برچسب‌های اطمینان‌بخش تبدیل می‌شوند. بی‌خطرسازی یک فرآیند کیفی است، نه صرفاً وزنی. این که چه میزان از پسماند واقعاً به سطح ایمنی تعریف‌شده رسیده، چه میزان خطا در فرآیند وجود دارد و چه نهادی صحت آن را بررسی می‌کند، پرسش‌هایی هستند که پاسخ شفافی ندارند. وقتی نظارت مستقل غایب است، استاندارد به ادعا تقلیل پیدا می‌کند.

در بسیاری از مراکز درمانی، پسماند به یک بند قراردادی خلاصه شده است. زباله تحویل داده می‌شود، رسید دریافت می‌شود و تصور عمومی شکل می‌گیرد که مسئولیت به پایان رسیده است. این منطق، پسماند پزشکی را از یک مسئله مشترک به باری قابل واگذاری تبدیل می‌کند. در چنین شرایطی، پایبندی واقعی مراکز درمانی به تفکیک اصولی، کاهش تولید و رعایت استانداردها، تابع میزان حساسیت مدیریتی است نه الزام ساختاری. وقتی جریمه‌ها بازدارنده نیستند و گزارش تخلف پیامد مشخصی ندارد، قرارداد جای مسئولیت را می‌گیرد.

خطر را مدیریت نمی‌کنیم؛ آن را جابه‌جا می‌کنیم!

پس از جمع‌آوری، پسماند پزشکی وارد مرحله‌ای می‌شود که کمترین شفافیت را دارد. مسیر نهایی این زباله‌ها، نحوه دفن، دفن‌گاه‌ها، کنترل نشت آلودگی و اثرات بلندمدت آن بر خاک و آب‌های زیرزمینی، اغلب خارج از میدان دید عمومی باقی می‌ماند. کرج شهری است که در مجاورت دشت‌ها، منابع آب زیرزمینی و اراضی کشاورزی قرار دارد. هر خطا در مدیریت پسماند پزشکی، می‌تواند اثر خود را سال‌ها بعد در قالب آلودگی خاک یا کاهش کیفیت منابع آب نشان دهد. این پیامدها فوری نیستند و همین تاخیر، بزرگ‌ترین خطر است. در بسیاری از شهرهای جهان، مدیریت پسماند پزشکی با انتشار داده‌های عمومی، گزارش‌های ارزیابی

جلسه مبنی بر پایش عمرانی مناطق مدیریت شهری، از مدیران و معاونین عمران مناطق دهگانه شهرداری خواست به بررسی عملکرد و پایش ردیف بودجه‌های عمرانی پرداخته و با توجه به نزدیک شدن پایان سال جهت محقق شدن درصد جذب و تعهد ردیف ها اقدام کنند.

رحیمی گفت: مدیران و معاونین عمران مناطق باید

عملکرد و جذب حداکثری ردیف‌های عمرانی که طبق درخواست و مطالبه شهروندان، در بودجه ۱۴۰۴ دیده شد را در اولویت قرار داده و اهتمام جدی در تکمیل آن داشته‌باشند.

رئیس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورا اظهار داشت: پروژه‌های بازسازی، بهسازی و روشنایی پارک‌های سطح شهر، تراش و روکش آسفالت معابر، بهسازی و

دنیای هوادار

داستان جلد



نیست، اما مسیر شکل‌گیری آن کاملاً قابل ردیابی است.

مدیریت پسماند پزشکی در کرج را نمی‌توان با آramش گزارش‌های رسمی سنجید. مسئله نه این است که پسماند جمع می‌شود، نه این که عده‌ها ثبت می‌شوند. مسئله این است که شهر تا چه اندازه توانسته خطر را مهار کند، نه فقط آن را از جلوی چشم پنهان سازد. وقتی حجم پسماند بالا می‌رود و شفافیت هم‌زمان رشد نمی‌کند، فاصله‌ای شکل می‌گیرد که پر نمی‌شود؛ فاصله‌ای میان اطمینان اداری و واقعیت زیست‌محیطی. پسماند پزشکی آزمون بلوغ حکمرانی شهری است. جایی که قرارداد، جای مسئولیت می‌شیند و گزارش، جای پاسخ‌گویی را می‌گیرد، شهر وارد منطقه پرخطر می‌شود. خطر نه ناگهانی است و نه نمایشی. آرام نفوذ می‌کند، در خاک می‌نشیند، وارد آب

می‌شود و بعد از سال‌ها خود را در قالب بحران سلامت نشان می‌دهد. آن وقت دیگر نه عده‌ها به کار می‌آیند و نه توضیح‌ها. کرج اگر می‌خواهد ایمن باشد، باید از مدیریت حداقلی عبور کند. باید نظارت را عمومی، داده را قابل راستی‌آزمایی و مسئولیت را غیرقابل واگذاری کند. پسماند پزشکی جایی برای خطای کوچک ندارد. هر کوتاهی امروز، هزینه‌ای است که فردا با جان شهروندان پرداخت می‌شود. این نقطه‌ای است که تعارف در آن، خودش یک تهدید است.

آگهی مزایده اموال غیر منقول پرونده اجرایی کلاسه ۱۴۰۳۰۰۹۷۲

به موجب پرونده اجرایی کلاسه فوق شش‌دانگ یک قطعه آپارتمان نوع ملک طلق به پلاک ثبتی ۴۰۶۳۹ فرعی از ۱۶۳ اصلی مفروز و مجزا شده از ۱۲۴۱۱ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۱ در طبقه ۱ و واقع در بخش ۰۰ ناحیه ۲ حوزه ثبت ملک فردیس استان البرز به مساحت ۷۸/۵۸ مترمربع توضیحات ملک به حدود: شمالاً: در دو قسمت که قسمت دوم آن به صورت پنجره و دیواربست به فضای باز مشاعی شرقاً: دیواربست به قطعه ۱۱ تفکیکی جنوباً: اول در دو قسمت که قسمت دوم شرقی می‌باشد دیواربست مشترک با راه پله مشاعی غرباً: دیواربست به قطعه ۱۳ تفکیکی مشخصات منضمات ملک: انباری ۱ قطعه ۱ به مساحت ۳/۷۶ مترمربع حدود اربعه: شمالاً: درب و دیواربست به پیلوت مشاعی شرقاً: دیواربست به پارکینگ شماره ۴ جنوباً: دیواربست مشترک با انباری شماره ۲ غرباً: دیواربست به راهرو مشاعی پارکینگ قطعه ۱ به مساحت ۱۱/۲۵ واقع در طبقه ۰ به حدود اربعه: شمالاً: خط مستقیم مفروض به پیلوت مشاعی شرقاً: خط مستقیم مفروض به پیلوت مشاعی جنوباً: خط مستقیم مفروض به پیلوت مشاعی غرباً: دیواربست به قطعه ۱۳ مشخصات مالکیت: ملک ناز میرحسینی فرزند سیدمحمود شماره شناسنامه ۷۶۳ تاریخ تولد ۲۵ تیرماه ۱۳۴۳ صادره از تهران شماره ملی ۰۰۴۷۶۹۸۱۱۱ به جز سهم ۶ از کل سهم به عنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره سند مالکیت ۴۸۳۰۴ تاریخ ۱ آبان ۱۳۹۵ دفتر رسمی شماره ۶۰ شهر کرج استان البرز موضوع سند مالکیت اصلی شماره چاپی ۷۶۸۴۴۱ سری ب سال ۹۴ شماره دفتر الکترونیکی ۰۰۱۲۰۰۱۳۰۳۱۰۰۱۳۹۵۲۰ ثبت گردیده است. محدودیت: یک مورد بازداشت دائم بموجب دستور شماره ۰۰۵۹۰۰۳۰۴۰۳۱۰۰۵۹۰۰۶۸۶ مورخ ۲۹ دی ۱۴۰۳ صادره از واحد اجرای اسناد رسمی فردیس به میزان شش دانگ عرصه و اعیان به نفع برای مالکیت ملک ناز میرحسینی با سهام بازداشتی ۶ سهم از ۶ بازداشت می‌یاشد و رهنی شماره ۳۸۵۶۶ و شماره سیستمی ۰۱۰۰۰۱۸۲۹۰۰۲۲۱۳۱۰ مورخ ۱۴ خرداد ۱۴۰۲ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۵۴ شهر کرج استان البرز که به نفع بهژاد نجفی لیواری به مبلغ ۸/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مدت ۱۲ ماه ثبت شده. رهنی شماره ۴۱۷۲۱ و شماره سیستمی ۰۰۲۵۷۲۰۰۱۰۰۲۳۱۳۱۰ مورخ ۱۴ خرداد ۱۴۰۳ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۵۴ شهر کرج استان البرز که به نفع امین نجفی لیواری به مبلغ ۱۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مدت ۴۰ ماه ثبت شده. لذا ملک واقع در (فردیس بلوار شهدا حدفاصل سه راه حافظیه و فلکه اول فردیس خیابان دوم فرعی احدائی سمت راست پلاک ۹ طبقه ۱ واحد ۱) که در مورخ ۱۴ مهر ۱۴۰۴ توسط کارشناس رسمی دادگستری توصیف اجمالی ملک مذکور: کل ساختمان دارای یک طبقه همکف به عنوان انباری و پارکینگ و ۳ طبقه بالای همکف به عنوان مسکونی در هر طبقه ۲ واحد جمعا دارای ۶ واحد مسکونی با اجرای اسکلت بتون ارمه و نما سنگ می باشد واحد دارای ۲ اتاق خواب هال و پذیرایی سرویس کامل آشپزخانه اوین با پوشش کف سرامیک و دارای سیستم گرمایش بخاری و سیستم سرمایش کولر و بر بخوردااری از انشعابات آب و برق و گاز شهری می باشد و در تصرف مالک است، لذا شش‌دانگ پلاک ثبتی با مشخصات فوق الذکر وفق گزارش کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ ۲۷/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محاسبه گردیده است. مزایده روز دوشنبه مورخ ۱۵ دی ۱۴۰۴ از ساعت ۹ الی ۱۲ در اداره اجرای ثبت فردیس برگزار میگردد. مزایده از مبلغ ۲۷/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال شروع به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می شود. و کلیه هزینه های قانونی اعم از نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول خواهد شد و شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است. برنده مزایده مکلف است ما به التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تدويع نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر، مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واريز نکند، مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واريز خواهد شد. در این صورت، عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید میگردد. چنانچه روز مزایده مصادف با تعطیل رسمی غیر متروقه گردد، مزایده تجدید می گردد و بستانکار از بیمه اطلاعی ندارد. ۲۰۸۴۸۵۵

اداره ثبت اسناد و املاک فردیس

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و

ساختمانهای فاقد سند رسمی ساوجبلاغ (نوبت اول)

برابر رای شماره ۱۹۰۵۳/۱۲۰۰۳۳۱۰۱۴۰۴۶۰ مورخ ۱۴۰۴/۷/۲ قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض خاتم زینت مرادی نیا به شناسنامه شماره۵۷۱ کد ملی ۱۷۱۸۵۸۶۷۱۱ فرزند احمد نسبت به شش‌دانگ یکباربع باغچه به مساحت۱۰۵۷/۷ متر مربع از مالکیت خود متقاضی برابر سند ۶۵۲۰۲ مورخ ۹۲/۵/۱۴ دفتر خانه ۴۴ کرج و مریم مرادی برابر سند ۲۹۷۳۸ مورخ ۱۳۹۲/۱۷/۱ مورخ ۲۱۲ تهران از پلاک ۴۸ فرعی از ۳۳۶ اصلی واقع در تکیه اغشت حوزه ملک ساوجبلاغ با توجه به نامه بنیاد مسکن ساوجبلاغ به شماره ۱۴۰۴/۶۱۵۳۱۶ مورخ ۱۴۰۴/۴/۳۰ که کاربری مورد نظر را باغ مسکونی اعلام نموده و رای صادر گردیده است لذا بمنظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند بدیهی است در صورت انقضا مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات و پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد. در ضمن از طرف شعبه باگانی برای مورد تقاضا پلاک ۱۷۳ فرعی منظور گردیده است. ضمنا بستاندا نامه امور آب مساحت ۱۰۳/۸۰ متر مربع بعنوان حقوق ارتفاقی وزارت نیرو محسوب می گردد. ۲۰۸۳۷۹۰ تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۴/۱۰/۲۴ اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

اجرای ردیف‌های عمرانی محلات زیر ذره‌بین رئیس کمیسیون عمران قرار گرفت

بازسازی کتابخانه و مراکز فرهنگی، مناسب‌سازی، ایمن‌سازی و آرام‌سازی گذرگاه‌های عرضی عابر پیاده برای تردد معلولین و نابینایان، اصلاح هندسی معابر شهری بر اساس طرح‌های ترافیکی مصوب و نصب و نگهداری تابلوها و تجهیزات ترافیکی همچون گاردریل از موضوعاتی بود که در اجرای آن‌ها به شهرداران مناطق تذکر داده شده است.

جمعه

دریچه

دلنواز از ته دل با اهل دل!

محمودکاتبی

از گل آندود پشت بام خونه های خشتی توسط ناوه کشی روی شونه قوی مرد خوش باطن، به ایزو گام لوله ای روی دوش ظریف مرد خوش ظاهر، رسیده ایم! از آدم برفی های زمستون با چشم ذغالی، به آدم حرفی های چشم سفید رسیده ایم! از سنکگ دو رو خشخاش دو متری به نان باگت همبرگری کف دست رسیده ایم! از صدای شر شر بارون تو ناودون کوچه پس کوچه های تنگ و ترش، به ندای زوزه باد که از درز پنجره های دوجداره به داخل اتاق سرک می کشند رسیده ایم! از نجوای سخن عشق ندیدم خوشتر، به صدای پدر مادری که برای خرجی خانه دعوایشان است رسیده ایم! از یک تار موی سیبیل پشتوانه دار، به یک وثیقه و سفته و ضامن و چک بلا محل، رسیده ایم!

از بوی خوش اشگنه و دم پختک و آتش بلغور و آبگوشت پر از دمه و گوشت گوسفند با فلفل و گوجه و سیر و نخود لوبیا و سنکگ داغ همراه با دستیخت عاشقانه و مهر مادرانه، به یک نیم پُرس خوراک از آشپزخونه بیرون برسر کوچه رسیده ایم! از آب پاشی کوچه های خاکی و خونه های قدیمی در دل چمن های محلی و چراغونی شب های جشن در دل شب های سرد زمستونی و خرید انار و هندونه و کشمش و گردو، توی سینی های روی کرسی، به سفارش خرید انلااین پفک و چیپس از سوپری اونور بولوار رسیده ایم!

خدا کنه از مرام و معرفت و مهربانی و کمک به هم و دستگیری از مستمندان، به مج گیری از همدیگه و پشت هم حرف زدن و خیانت در رفاقت نرسیم! الهی آمین...

به تاریخ: دیروز، امروز!فردا

در گزارش‌های رسمی، همه چیز منظم و مدیریت‌شده به نظر می‌رسد: جمع‌آوری انجام می‌شود، بی‌خطرسازی صورت می‌گیرد و فرایندها «طبق ضوابط» پیش می‌روند، اما درست در همین نقطه است که پرسش اصلی سر برمی‌آورد: آیا جمع‌آوری به معنای حل مسئله است؟ یا فقط جابه‌جایی یک خطر بالقوه از جلوی چشم شهر به پشت دیوارهای نامرئی تأسیسات دفع؟ پسماند پزشکی، برخلاف زباله‌های عادی، با خطای کوچک هم سازگار نیست. یک نقص در بی‌خطرسازی، یک نظارت صوری یا یک قرارداد ناکارآمد، کافی است تا آلودگی وارد خاک، آب‌های زیرزمینی و در نهایت زنجیره غذایی شود.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت

ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی طالقان (نوبت اول)

برابر رای شماره ۰۰۰۹۶۵/۱۳۰۰۳۳۱۰۱۴۰۴۶۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک طالقان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای بهروز کشتکار فرزند امان اله بشماره شناسنامه ۲۹۲ صادره از الوند سه دانگ عرصه و شش‌دانگ اعیان یک دستگاه ساختمان به مساحت ۱۴۱/۴۶ متر مربع مفروز از پلاک ۹۶۹ فرعی از ۲۵ اصلی واقع در شهرک طالقان که(برابر مدارک ابزاری و سوابق ثبتی، اظهار نامه سه دانگ مشاع از شش‌دانگ پلاک مذکور به نام آقاچان صادقیان فرزند علی تنظیم شده است. سپس تمامی آن برابر سند شماره ۵۷۸۶ مورخ ۱۳۶۶/۱۲/۲۵ دفتر خانه شماره ۲۳ طالقان به امان اله کریمی (پدر متقاضی) اگذار شده است و وی نیز برابر دست نوشته مورخه ۱۳۸۴/۱۰/۵ ملک مزبور را به متقاضی(آقای بهروز کشتکار و اگذار کرده است سه دانگ دیگر پلاک مذکور به نام مدرسه عالی شهید مطهری می باشد.) محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید. ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم، اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.۲۰۸۱۶۹۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۲۴

اداره ثبت اسناد و املاک طالقان

مزایده عمومی

شماره مزایده: ۱۰۰۰۰۰۰۴۰۳۷۰۱۰۰۴۰۰۰

فروش چند دستگاه خودرو اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان البرز تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ ساعت ۱۱:۰۰ الی ۱۴۰۴/۱۰/۲۰ ساعت ۱۳:۰۰ مهلت بازدید: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ الی ۱۴۰۴/۱۰/۱۷ از ساعت ۸:۰۰ الی ۱۴:۳۰ مهلت ارائه پیشنهدهات: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ ساعت ۱۱:۰۰ الی ۱۴۰۴/۱۰/۲۰ ساعت ۱۳:۰۰

زمان بازگشایی: ۱۴۰۴/۱۰/۲۱ ساعت ۸:۰۰

زمان اعلام برنده: ۱۴۰۴/۱۰/۲۱ ساعت ۱۴:۰۰

البرز، کرج، خیابان شهید بهشتی، بعد از ۴۵ متری گلشهر، جنب پمپ بنزین حصارک ،خیابان ولیعصر

۲۶۰۰۰۰۰۰۰۵۷۲۳ شناسه ۲۰۸۴۰۶۲

اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان البرز

